

نگاه
هم‌میهن

عکس: Getty Images

POLITICO

بازی «صبر و انتظار»
ترامپ در قبال ایران

به‌نظر می‌رسد دونالد ترامپ راهبرد جهانی «فشار حداکثری» علیه ایران را تثبیت کرده است. اکنون دولت او وارد مرحله «صبر و انتظار» شده است. دلایلی برای «صبر و انتظار» وجود دارد. بحران‌های دیگر، مانند جنگ در غزه، بخش زیادی از توجه دولت را به خود مشغول کرده است. ترامپ زمانی که امسال به قدرت بازگشت، پیش قدم شد و سیاست اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران را از سر گرفت. سپس روز یکشنبه، سازمان ملل متحد به‌عنوان مجازات ایران بابت عدم همکاری با جامعه جهانی در زمینه محدود کردن برنامه هسته‌ای‌اش، تحریم‌ها را دوباره برقرار کرد. دولت ترامپ نیز این هفته با تحریم‌های بیشتر ادامه داد و حتی ترکیه، همسایه ایران نیز به آن پیوست اما در حالی که کشورها یکی پس از دیگری اقدامات تنبیهی را اعمال می‌کنند، دولت ترامپ در مورد گام بعدی راهبرد خود در قبال ایران عمدتاً سکوت کرده است.

NatSec Daily با چندین تحلیلگر ایران در واشنگتن گفت‌وگو کرده تا ببیند دولت پس از موج تازه تحریم‌ها چه برنامه‌ای در سر دارد. برداشت آنان این است که ترامپ ایران را موقتاً در اولویت پایین‌تری قرار داده و منتظر می‌ماند تا ببیند تهران، گام بعدی‌اش چه خواهد بود. مسئول پرونده ایران در اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها به این رسانه گفت: از اقدامات و اظهارات ترامپ آشکار است که رئیس‌جمهور بر این باور است که «ایالات متحده باید بابت دستاوردهای زود هنگام دولت در قبال ایران یک دور افتخار بزند.» با این حال، او هشدار داد که این رویکرد پرخطر است: «اگر واشنگتن بی‌تفاوت باشد، تهران با قدرت بیشتری باز خواهد گشت.» او استدلال کرد که دولت باید از وضعیت آسیب‌پذیر ایران استفاده کرده و در میز مذاکره «موضع مستحکم» اتخاذ کند. این طور نیست که دولت ترامپ اهمیتی به ایران نمی‌دهد. چنین نیست. کاخ سفید در بیانیه‌ای به NatSec Daily گفت: «ایالات متحده کاملاً با شرکای اروپایی خود (E۳)» — اشاره به فرانسه، آلمان و بریتانیا — در اعمال تحریم‌های موسوم به بازگشت خودکار (snapback) در هفته گذشته هماهنگ بود و در پایبندی به پاسخگو نگه‌داشتن ایران قاطع است.» با این حال، کاخ سفید از پاسخ به پرسش‌ها درباره راهبرد اتی یا چگونگی اعمال فشار بیشتر علیه ایران خودداری کرد. دلایلی برای «صبر و انتظار» وجود دارد. بحران‌های دیگر، مانند جنگ در غزه، بخش زیادی از توجه دولت را به خود مشغول کرده است. به گفته البوت آبرامز، که در دور نخست ریاست‌جمهوری ترامپ نماینده ویژه او در امور ایران بود، جمهوری اسلامی به‌دلیل تحریم‌های سنگین و آسیب به برنامه هسته‌ای‌اش، در موقعیتی به‌شدت تضعیف‌شده قرار دارد. علاوه بر این، اسرائیل نیز ضربات سختی به نیروهای نیابتی ایران مانند حزب‌الله وارد کرده و نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود ساخته است. در نتیجه، به گفته آبرامز، ایران در حال حاضر در مسئله فوری برای دولت آمریکا محسوب نمی‌شود. با این حال، به گفته آبرامز، این رویکرد «صبر و انتظار» ممکن است تغییر کند اگر ایران تلاش برای بازسازی سریع برنامه هسته‌ای خود را شدت بخشد. در آن صورت، احتمالاً اسرائیل — شاید با حمایت آمریکا — دوباره حمله خواهد کرد. در واقع، ایران هم‌اکنون در حال تلاش برای بازسازی سایت‌های هسته‌ای است که در جنگ ۱۲ روزه تابستان امسال با اسرائیل و آمریکا آسیب دیده‌اند. همچنین علی لاریجانی، مقام ارشد امنیتی ایران، آخر هفته گذشته به بیروت سفر کرد تا حزب‌الله را به بازسازی تشویق کند؛ نشانه‌ای از اینکه ایران هنوز عقب‌نشینی نکرده است. با این حال، باور دولت ترامپ به اینکه کمپین فشار حداکثری موفق خواهد شد، به گفته ریتنا پارسی، هم‌بنیان‌گذار اندیشکده Quincy Institute، یک «برداشت عمیقاً نادرست از وضعیت ایرانیان» است.

تعهدی مبهم به قطر
احتمالاً کشورهای حاشیه خلیج فارس به دنبال تنوع بخشیدن به توافق امنیتی با دیگر کشورها خواهند رفت

دوحه است، بلکه به قطر (و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس) اطمینان می‌دهد که واشنگتن پس از حمله ژوئن ۲۰۲۵ ایران و حمله ۹ سپتامبر اسرائیل به پایتخت قطر، همچنان به تعهد خود به امنیت منطقه پایبند است. حمله بی‌سابقه اسرائیل در ۹ سپتامبر، اعضای حماس در دوحه را هدف قرار داد، اما در نهایت به جای کشته شدن هر یک از رهبران این گروه شبه‌نظامی فلسطینی، یک افسر امنیتی قطری کشته شد. این حمله همچنین دومین حمله به پایتخت قطر در ماه‌های اخیر بود. پیشتر ایران در ماه ژوئن، در تلاقی حملات هوایی ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل، ده‌ها موشک بالستیک را علیه نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه هوایی العديد دوحه شلیک کرد. حملات اسرائیل و ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس را در مورد اثربخشی روابط امنیتی و دفاعی خود با ایالات متحده نگران کرده است. حمله اخیر اسرائیل به دوحه، به‌ویژه با توجه به وضعیت روابط قطر با آمریکا و میزبانی نیروهای آمریکایی، در شورای همکاری خلیج فارس نیز تردیدهایی را در مورد توانایی و یا تمایل واشنگتن برای مهار نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای خود، اسرائیل، ایجاد کرده است. در این زمینه، دستور اجرایی ترامپ به همان اندازه که به حفاظت از دارایی‌ها و حضور نظامی ایالات متحده در منطقه ربط دارد، به بازسازی اعتماد شکننده با شرکای شورای همکاری خلیج فارس نیز مرتبط است. با گسترش تعهدات صریح نسبت به امنیت قطر، حتی اگر این تعهدات شامل یک پیمان دفاع متقابل مصوب سنا نباشد، ایالات متحده به متحدان منطقه‌ای سیگنالی می‌دهد که

پاسخ دهد. این دستور العمل همچنین مستلزم برنامه‌ریزی مشترک احتمالی بین مقامات ایالات متحده و قطر برای تضمین پاسخ‌های سریع و هماهنگ به تجاوز خارجی است. اما در حالی که ترامپ این دستور را به عنوان تضمین امنیتی ارائه کرده است، در فرمان خود از دادن تعهد دفاع اتوماتیک خودداری می‌کند و لحن توافق را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که فضا برای مصلحت‌سنجی و تفسیر باز بماند. این دستور در جریان سفر اخیر بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، به واشنگتن امضا شد. نتانیا‌هو در واشنگتن با نخست‌وزیر قطر تماس گرفت تا از حملات هوایی ناموفق اسرائیل در ۹ سپتامبر علیه اعضای حماس در دوحه عذرخواهی کند. دستورات اجرایی عموماً دستور العمل‌های یکجانبه‌ای هستند که توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده صادر می‌شوند. آنها از نظر قانونی برای همیشه الزام‌آور نیستند و می‌توانند به سرعت توسط رؤسای جمهور دیگر لغو یا اصلاح شوند. در مقابل، یک معاهده، پس از مذاکره و تصویب با دو سوم رأی سنا، وزن قانونی به خود می‌گیرد و در دولت‌های مختلف ایالات متحده پابرجا می‌ماند و دوام و اعتبار بین‌المللی بسیار بیشتری خواهد داشت. قطر از ژانویه ۲۰۲۲ به عنوان متحد اصلی غیرناتو (MNNA) ایالات متحده تعیین شده است. این وضعیت، همکاری دفاعی و دسترسی به فناوری نظامی، فرصت‌های آموزشی و مالی ایالات متحده را افزایش می‌دهد. اما شامل تعهدات دفاعی متقابل مانند تعهدات مندرج در ماده ۵ ناتو نمی‌شود. این فرمان اجرایی نمتنها به دنبال جبران خسارت قطر به خاطر تلاش ناموفق اخیر اسرائیل برای ترور رهبران حماس در

**اقدام ایالات متحده
برای اعطای تضمین‌های
امنیتی بی‌سابقه به
قطر، اگرچه ممکن
است تا حدودی
قطری‌ها را راضی کرده
باشد و مانع حملات
آینده اسرائیل به این
کشور شود، اما بعید
است که در صورت
درگیری مجدد بین
ایران و آمریکا، مانع
از هدف قرار گرفتن
پایگاه آمریکا در قطر
توسط ایران شود.
علاوه بر این، اقدام
آمریکا موجب خواهد
شد سایر کشورهای
حاشیه خلیج فارس نیز
درخواست تعهدات
مشابهی را از آمریکا
مطرح کنند**

آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل



اقدام ایالات متحده برای اعطای تضمین‌های امنیتی بی‌سابقه به قطر، اگرچه ممکن است تا حدودی قطری‌ها را راضی کرده باشد و مانع حملات آینده اسرائیل به این کشور شود، اما بعید است که در صورت درگیری مجدد بین ایران و آمریکا، مانع از هدف قرار گرفتن پایگاه آمریکا در قطر توسط ایران شود. علاوه بر این، این اقدام آمریکا موجب خواهد شد سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز در خواست تعهدات مشابهی را از آمریکا مطرح کنند. به موازات آن، کشورهای حاشیه خلیج فارس احتمالاً تلاش‌های خود را برای تنوع بخشیدن به شرکای امنیتی خود، به غیر از آمریکا، متوقف نخواهند کرد.

در اول اکتبر، کاخ سفید اعلام کرد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، یک فرمان اجرایی، به تاریخ دوازده روز قبل، امضا کرده است تا تعهد امنیتی ایالات متحده به قطر ارتقا یابد. این دستور العمل که رسماً با عنوان «تضمین امنیت کشور قطر» منتشر شده است، بیان می‌کند که هرگونه حمله مسلحانه به قلمرو، حاکمیت یا زیرساخت‌های حیاتی قطر به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت ایالات متحده تلقی خواهد شد و واشنگتن متعهد می‌شود که با «اقدامات قانونی و مناسب»، از جمله اقدام دیپلماتیک، اقتصادی و در صورت لزوم، نظامی، به چنین حمله‌ای

مشکل توافق امنیتی سوریه و اسرائیل

که راه را برای خطرات ایجاد نهادهای طایفه‌ای در سوریه به قیمت از دست رفتن وحدت سیاسی آن باز می‌کند. قبول این رویکرد که اسرائیل برای تحمیل آن تلاش می‌کند تلاش‌های نیروهای دموکراتیک سوریه برای حفظ حکومت خودگردان کردی در شمال شرق سوریه را تقویت می‌کند و در درازمدت احتمالاً خواسته‌های مشابهی در منطقه ساحل برای ایجاد حکومت خودگردان علوی‌ها ظاهر می‌شود. علاوه بر این چنین طرح‌هایی مورد قبول بخش گسترده‌ای از سوری‌ها که برای حفظ وحدت کشور تلاش می‌کنند، نیست. قبول این طرح همچنین مشروعیت داخلی حکومت «ابومحمد الجولانی» سرکرده تحریرالشام و رئیس موقت سوریه را از بین می‌برد و به صورت واضح با نگرانی‌های ترکیه درباره ایجاد منطقه خودگردان کردها در شمال مغایرت دارد. حتی در زمانی که بلندپروازی‌های اسرائیل در جنوب سوریه تهدیدی برای وحدت سوریه است، این مسئله همچنین تناقض آشکاری را بین چشم‌اندازهای تل‌آویو و آنکارا برای آینده سوریه به عنوان یک کشور متحد منعکس می‌کند.

هشدار «هاکان فیدان» وزیر خارجه ترکیه نسبت به احتمال عملیات نظامی اسرائیل در جنوب سوریه نگرانی آنکارا نسبت به تلاش‌های اسرائیل برای تحمیل تدابیر میدانی همسو با تلاش‌های سلطه‌جویانه این رژیم در سوریه و ایجاد وضعیت خاص برای دروزی‌ها در السویدا را نشان می‌دهد. با این حال مانع اصلی در مقابل بلندپروازی‌های اسرائیل موضع آمریکا است که همچنان به صورت علنی بر حمایت خود از وحدت سوریه تأکید می‌کند و مشارکت تمام گروه‌های سوریه در دولت فراگیر را ترجیح می‌دهد. این موضع به سه مسئله اصلی برمی‌گردد که عبارتند از:

اظهارات «بنیامین نتانیا‌هو» نخست‌وزیر اسرائیل در نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل درباره امکان امضای توافقی با سوریه در راستای احترام به حاکمیت این کشور، تضمین امنیت اسرائیل و حمایت از دروزی‌ها در جنوب اشاره می‌کرد. این مسئله نشان‌دهنده ادامه پیچیدگی‌هایی است که توافق با آن مواجه است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد اظهارات نتانیا‌هو درباره توافقی که به حاکمیت سوریه احترام بگذارد با خواسته‌های اسرائیل درباره حضور در ارتفاعات جبل‌الشیخ و ایجاد ممنوعیت پرواز برای جنگنده‌های سوریه در برخی مناطق جنوب به‌ویژه استان السویدا با این مسئله متناقض است. از سوی دیگر ایده گذرگاه انسانی اسرائیل برای استان السویدا و حمایت از دروزی‌ها اصل حاکمیت سوریه را تضعیف کرده و مداخله طولانی مدت اسرائیل در روابط بین دروزی‌ها و دمشق را تقویت می‌کند. همچنین فرض موافقت آمریکا با نقشه راه السویدا که مورد قبول اسرائیل باشد کاملاً دقیق نیست. به نظر می‌رسد که هدف از مطرح شدن گذرگاه انسانی تضمین ادامه نفوذ اسرائیل در السویدا حتی بعد از امضای توافق امنیتی با سوریه و تقویت اصول پروژه حکومت خودگردان دروزی‌ها در آینده است.

مخالفت سوریه با خواسته گذرگاه انسانی تنها به دلیل مغایرت آن با اصل حاکمیت سوریه و تهدید به ایجاد نظام سیاسی و اداری ویژه برای استان السویدا تحت حمایت اسرائیل نیست. بلکه به این دلیل است

در حالی که پیش‌بینی می‌شد سوریه و اسرائیل در حاشیه نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل توافق امنیتی را با نظارت آمریکا امضا کنند، این توافق همچنان با موانع پیچیده‌ای روبه‌رو است. بیانیه سه‌جانبه سوریه، اردن و آمریکا درباره نقشه راهی برای حل بحران استان السویدا در سوریه قبل از نشست‌های نیویورک این پیش‌بینی را تقویت می‌کرد. به نظر می‌رسد که این مسئله مانع اصلی در مقابل امضای توافق بین سوریه و اسرائیل را از بین می‌برد اما با این حال توافق در نیویورک امضا نشد.

خبرگزاری رویترز گزارش داد مذاکرات درباره این توافق در لحظات آخر به دلیل مطرح شدن درخواست مجدد اسرائیل برای ایجاد گذرگاه انسانی به السویدا با مشکل مواجه شد. هرچند که «توماس باراک» فرستاده آمریکا به سوریه و لبنان بعداً در مصاحبه با الجزیره شکست توافق در لحظات آخر را تکذیب کرد. صرف‌نظر از دلایلی که همچنان مانع امضای این توافق می‌شود مشخص است که موانع همچنان وجود دارد. به‌رغم موافقت اولیه سوریه با درخواست‌های رژیم صهیونیستی درباره خلع سلاح منطقه جنوب دمشق سرنویشت مناطقی که این رژیم بعد از سقوط نظام سابق اشغال کرده به‌ویژه ارتفاعات استراتژیک جبل‌الشیخ همچنان مبهم است. «یسرائیل کانس» وزیر جنگ اسرائیل بر ماندن ارتش این رژیم در ارتفاعات جبل‌الشیخ تأکید کرده است. با این حال